چند مثنوی «خسرو و شیرین» به اقتفای نظامی گنجه ای

امین، حسن

بسیاری را می‏توان در لابه‏لای آثارش یافت.در خمسه‏ به اختر بینی اشارت بسیاری شده است،این از آن روست‏ که بهره‏گیری از باورهای نجومی در داستان سرایی کهن‏ فارسی،سنّتی معمول بوده است،البته نظامی اعتقادی به‏ این افکار ندارد و به صراحت آن‏ها را مردود می‏شمارد:

بدو نیک از ستاره چو آید که خود از نیک و بد زبون آید گر ستاره سعادتی دادی‏ کی قباد از منجمّی زادی‏ کیست از مردم ستاره‏شناس‏ که به گنجینه ره برد به قیاس‏ 17 انجم آسمان وسایل توست‏ چیستند آن همه؟وسایل توست‏ هریک از تو گرفته تمثالی‏ تو چه گیری ز هر یکی فالی‏18

پی‏نوشت‏ها

(1)-کلیات خمسه،ص 340.

(2)-رجوع شود به شاهنامه و داستان سیاوش هنگامی که سودابه،بچه‏ی زن عفریتی را به خود نسبت می‏دهد،منجمان و کارآگاهان فلکی ستاره و طالع.آن‏ نوزاد را نمی‏توانند مشاهده کنند،زیرا او از خانواده‏یی بزرگ‏ نیست.

(3)-کلیات خمسه،ص 669.

(4)-همان،268.

(5)-همان، 210.

(6)-همان،644 و 645.

(7)-نثر و شرح مثنوی شریف،ج‏ 1،د 1،ص 189.

(8)-کلیات خمسه،674.

(9)-همان،1447.

(10)-همان،58.

(11)-فرهنگ معین،ذیل طالع.

(12)-مرزبان نامه، 141.

(13)-کلیات خمسه،645.

(14)-همان،1025.

(15)-همان، 1454.

(16)-همان،212.17-همان،621.18-همان،807.

منابع

1-مردمان ایران،عبد الحسین سعیدیان،تهران،انتشارات علم و زندگی،چاپ اول،1375.

2-فرهنگ اشارات،2 جلد،دکتر سیروس شمیسا،تهران، انتشارات فردوسی،1380.

3-نیرنگستان،صادق هدایت،تهران، انتشارات جاویدان،2535.

4-کتاب‏شناسی نظامی،ابو القاسم رادفر،تهران،موسس‏ مطالعات و تحقیقات فرهنگی(پژوهشگاه)،1371،چاپ اول.

5-فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادب فارسی، محمد جعفر یاحقی،موسسه‏ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی و سروش،چاپ اول،1369،تهران.

6-مرزبان‏نامه،سعد الدین واروینی،شرح دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران،انتشارات صفی علی شاه،تهران،1380.

7-فرهنگ فارسی،دکتر محمد معین،تهران،انتشارت امیر کبیر، چاپ چهاردهم،1378.

8-گذری و نظری در فرهنگ مردم،سید ابو القاسم انجوی‏ شیرازی با محمود ظریفیان،تهران،انتشارات،چاپ اول، پاییز 1371.

9-نثر و شرح مثنوی شریف،عبد الباقی گولپینارلی،انتشارات‏ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،ترجمه‏ی توفیق سبحانی،1382.

10-کلیات خمسه‏ی نظامی،از روی نسخه‏ی وحید دستگردی، به کوشش پرویز بابایی،تهران،نشر علم،چاپ دوم،1382.

چند مثنوی«خسرو و شیرین» به اقتفای نظامی گنجه‏ای‏ ح.ا.

منظومه‏ی غنیی 6500 بیتی«خسرو و شیرین»،دومین مثنوی از خمسه‏ی‏ نظامی،داستان عشق بازی‏های پرویز(پادشاه ساسانی)با شیرین‏ (شاهزاده خانم ارمنی)ست.شاعرانی چون امیر خسرو دهلوی،وحشی بافقی، عرفی شیرازی،وصال شیرازی و ده‏ها شاعر دیگر،مثنویاتی به اقتفا از«خسرو و شیرین»نظامی گنجه‏ای ساخته‏اند.از آن جمله مثنوی«فرهاد و شیرین»وحشی‏ بافقی(وفات 991 ق)است که شاعر به خوبی از عهده‏ی تقلید«خسرو و شیرین» نظامی برآمده است.اما وحشی بافقی،«فرهاد و شیرین»خود را در حقیقت در شرح‏ حال خود ساخته است.وحشی بافقی،مثنوی«ناظر و منظور»را نیز به استقبال‏ «خسرو و شیرین»نظامی ساخته؛اما مثنوی«فرهاد و شیرین»را به پایان نرسانده‏ است و به همین دلیل سال‏ها بعد،وصال شیرازی آن را تکمیل و تتمیم کرده است‏ که این ابیات را از سرآغاز این مثنوی وحشی به خوانندگان اهدا می‏کنیم:

الهی سینه‏یی ده آتش افروز در ان سینه دلی و آن دل همه سوز هر آن دل را که سوزی نیست،دل نیست‏ دل افسرده غیر از آب و گل نیست‏ دلم پر شعله گردان،سینه پر دود زبانم کن به گفتن آتش آلود کرامت کن درونی درد پرور دلی در وی درون درد و برون درد به سوزی ده کلامم را روایی‏ کز آن گرمی کند آتش گدایی‏ دلم را داغ عشقی بر جبین نه‏ زبانم را بیانی آتشین ده‏ سخن کز سوز دل تابی ندارد چکد گر آب ازو،آبی ندارد دلی افسرده دارم سخت بی‏نور چراغی زو به غایت روشنی دور بده گرمی دل افسرده‏ام را فروزان کن چراغ مرده‏ام را ندارد راه فکرم روشنایی‏ ز لطفت پرتویی دارم گدایی‏ اگر لطف تو نبود پرتو انداز کجا فکر و کجا گنجینه‏ی راز؟ ز گنج راز،در هر کنج سینه‏ نهاده خازن تو صد دفینه‏ ولی لطف تو گر نبود،به صد رنج‏ پشیزی کز نیابد ز آن همه گنج‏ چو در هر کنج،صد گنجینه داری‏ نمی‏خواهم که نومیدم گذاری‏ به راه این امید پیچ در پیچ‏ مرا لطف تو می‏باید،دگر هیچ

شاید بهترین شاعری که به اقتفای نظامی رفته است و در برابر پنج گنج یا خمسه‏ی او،هفت اورنگ یا سبعه‏یی ساخته است،عبد الرحمان جامی‏ست که‏ یوسف و زلیخا را نیز که نظامی به آن التفاتی نکرده است،به نظم درآورده است. هم‏چنین خواهر زاده‏ی جامی یعنی عبد اللّه هاتفی خرجردی جامی،خمسه‏یی به‏ اقتفای نظامی ساخته که«خسرو و شیرین»ی هم دارد.در اوایل سده‏ی دهم، شهاب الدین مروارید نیز مثنوی«خسرو و شیرین»دیگری به اقتفای نظامی ساخته‏ است.نیز محمود بیگ سالم تبریزی در قرن دهم،سالک یزدی و فوق الدین احمد فوقی یزدی،میر محمد هاشم سنجر کشانی در قرن یازدهم و باز محمد شریف‏ کاشانی در همان قرن و شهاب تبریزی در قرن سیزدهم«خسرو و شیرین‏های» دیگری به پیروی از نظامی سروده‏اند.